

بررسی شادکامی دانش‌آموزان دوره اول ابتدایی در بستر سبک مدیریت کلاس^۱

مهدیه رحیمی^۲، زهره مشکی‌باف مقدم^۳، زهره صانعی مهری^۴

چکیده

این پژوهش با هدف گفتمان‌سازی در باب سنجش عواطف و احساسات دانش‌آموزان ابتدایی و بررسی رابطه سبک‌های مدیریت معلم با میزان شادکامی آن‌ها انجام شد. جامعه آماری، کلیه کلاس‌های دوره اول مقطع ابتدایی نواحی سه، چهار و شش مشهد و حجم نمونه، ۲۸ کلاس که دانشجویان کارورز در آن حضور داشتند، به روش در دسترس انتخاب شدند، به منظور سنجش سبک مدیریت کلاس، پرسشنامه محقق ساخته، بر مبنای پرسشنامه ولفگانگ و گلیکمن که توسط یزدی و همکاران به زبان فارسی برگردانده شده است و جهت سنجش میزان شادکامی، پرسشنامه شادکامی آکسفورد که توسط ارگیل تهیه شده است، مبنای کار قرار گرفت. روایی محتوایی، هر پرسشنامه به صورت جداگانه توسط ۳ متخصص مورد تایید قرار گرفت. همچنین پایایی هر پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ برای سبک مدیریت کلاس ۰/۸۶ و برای شادکامی ۰/۸۲ محاسبه و تایید شد. در نتایج حاصل بین سبک مدیریتی معناداری مشاهده نشد، اما بین سبک مدیریت کلاس درس و شادکامی دانش‌آموزان همبستگی معکوس و معنادار وجود دارد. همچنین سبک مدیریت مداخله‌گرایانه معلمان در کلاس درس، کاهش شادکامی دانش‌آموزان را نشان می‌دهد. نوآوری این پژوهش در انتخاب سن دانش‌آموزان و نحوه پاسخگویی به پرسشنامه‌ها، از شیوه خوداظهاری به شیوه دیگراظهاری بود. در نهایت به متولیان اسناد بالادستی، صاحب‌نظران و تعلیم و تربیت، پژوهشگران آتی و معلمین پژوهشگر توصیه‌های جدی برای ارتقا شادکامی و خلق فرصت‌های جدید ارائه گردید.

واژگان کلیدی: شادکامی، دوره اول ابتدایی، سبک مدیریت کلاس.

^۱ تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۲/۱۳ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۵/۲۶

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۳ استادیار گروه علوم تربیتی، موسسه آموزش عالی حکیم نظامی، قوچان، ایران.

^۴ مربی گروه علوم تربیتی، پردیس شهید هاشمی نژاد، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

zohresaneii@yahoo.co.uk

Investigation of Student Happiness in the Context of Classroom Management Styles in Primary School

Mahdiye Rahimi¹, Zohreh Meshkibaf Moghaddam², Zohre Saneii Mehri³

This research aimed to explore the assessment of emotions and feelings of primary school students and investigate the relationship between teacher's classroom management styles and the level of student happiness. The statistical population included all first-grade classes in districts three, four, and six of Mashhad, with a sample size of 28 classes where internships' students were present. The sampling method was convenience sampling. To measure classroom management styles, a researcher-developed questionnaire based on the Wolfgang and Glickman questionnaire, translated into Persian by Yazdi et al., was used. To measure the level of happiness, the Oxford Happiness Questionnaire developed by Argyle was employed. The content validity of each questionnaire was confirmed by three experts separately. The reliability of each questionnaire was assessed and confirmed using Cronbach's alpha coefficient, with a score of 0.86 for classroom management style and 0.82 for happiness. The results revealed no significant relationship between classroom management style and gender or between classroom management style and teacher experience. However, a significant inverse correlation was found between classroom management style and student happiness. Furthermore, an interventionist classroom management style exhibited a negative impact on student happiness. The novelty of this research lies in the selection of student age and the method of questionnaire response, transitioning from self-report to other-report. Finally, serious recommendations were provided to superiors, stakeholders, educators, future researchers, and teacher-researchers to promote student happiness and create new opportunities.

Keywords: Happiness, Primary School, Classroom Management Style.

¹ department of education, Tehran university, Tehran, Iran.

² Arman razavi Institue of higher education Mashhad, Iran.

³ department of education Hashemi nejad campus Farhangian university, Mashhad, Iran. . zohresaneii@yahoo.co.uk

مقدمه

انسان به عنوان موجودی اجتماعی، از طریق مشارکت، برقراری ارتباط صمیمی و بهره‌گیری از توانمندی‌های دیگران، احساس رضایت‌مندی کرده و در نهایت سطح شادی، نشاط و شادکامی خود را افزایش می‌دهد (گلابی و اخشی، ۱۳۹۳). دوبلی^۱ (۲۰۱۳)، خوشبختی را یک احساس عمیق و ماندگار و شادکامی را تجربه یک لحظه رضایت‌بخش گذرا تعریف می‌کند. شادکامی^۲ به عنوان یکی از نیازهای روانی بشر، اخیراً در رشته روان‌شناسی سلامت، یک فاکتور مهم شناسایی شده و یک اصطلاح ذهنی است که به روش‌های مختلف توسط افراد و در رشته‌های مختلف تعریف و درک می‌شود. نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بین مداخلات آموزشی و روانشناسی مثبت برای تقویت نقاط قوت و شادکامی دانش‌آموزان در سراسر فرهنگ‌ها، همبستگی وجود دارد (آپراجیتا و مانی باسینو^۳، ۲۰۱۹). در همین زمینه می‌توان به پژوهش‌های (برادبرن^۴، ۱۹۶۹)، (آرگیل^۵ و همکاران، ۱۹۹۵)، (استونز^۶ و همکاران، ۱۹۹۶)، (جوزف و لوئیس^۷، ۱۹۹۸)، (لیوبومیرسکی و لپر^۸، ۲۰۰۵)، (آرگیل، ۲۰۰۳)، (داینر^۹، ۲۰۰۲) و در ایران به پژوهش‌های (عابدی و همکاران، ۱۳۸۵) و (علی پور و نوربالا، ۱۳۷۸) اشاره نمود. در باب شادکامی تعاریف و نگاه‌های متعارض زیادی وجود دارد، به عنوان مثال؛ طرفداران دیدگاه لذت‌گرایی معتقدند: موجود زنده در جستجوی لذت و دوری از درد برانگیخته می‌شود تا شادکامی حاصل شود (فرانکن^{۱۰}، ۱۹۹۴). اما طرفداران دیدگاه فضیلت‌گرایی معتقدند که ارضای امیال به رغم ایجاد لذت، همیشه منجر به بهزیستی و شادکامی نمی‌شود (رایان و دسی^{۱۱}، ۲۰۰۱) و شناخت‌گراها، شادکامی را به عنوان هیجانی تعریف می‌کنند که از پردازش افکار، فهم و دستیابی به یک هدف خاص به وجود می‌آید (داناولد^{۱۲}، ۱۹۹۷).

¹ Dobelli

² happiness

³ Aprajita & Mani Bhasin

⁴ Bradburn

⁵ Argyle

⁶ Stones

⁷ Joseph & Lewis

⁸ Lyubomirsky & Lepper

⁹ Diener

¹⁰ Franken

¹¹ Ryan & Deci

¹² Dunavold

به دنبال احصا اولین مولفه این پژوهش یعنی «شادکامی»، به فهرست شادکامی آکسفورد^۱ که براساس تعریف آرگیل از شادکامی تهیه شده، مراجعه شد (آرگیل و همکاران، ۱۹۸۹). آرگیل در معنایی از شادکامی، پژوهشی انجام داد و مدعی شد؛ مفهوم شادکامی در عین مبهم و اسرارآمیز بودن، برای بیشتر مردم مفهوم واضحی دارد و غالباً شادکامی را بودن در حالت خوشحالی، سرور و یا دیگر هیجان‌های مثبت و یا راضی بودن از زندگی خود، تعریف کرده‌اند. شادکامی از دیدگاه او شامل عواطف مثبت، رضایت و فقدان افسردگی، اضطراب و دیگر عواطف منفی است (آرگیل، ۲۰۰۳).

به منظور دستیابی به تعریف مولفه دوم این پژوهش یعنی «سبک‌های مدیریت کلاس» به عنوان یکی از مهمترین زیرمجموعه‌های مدیریت آموزشی در تربیت نیروی انسانی (بخشایش، ۱۳۹۲) پرداخته شد. پیش‌بینی می‌گردد که بین میزان شادکامی شاگردان، با سبکی که برای مدیریت کلاس برگزیده می‌شود، ارتباط معنادار وجود داشته باشد (احتیاری اوغلو^۲، ۲۰۱۸). همچنین سبک معلم در مدیریت کلاس به توسعه یا محدودسازی این شادکامی منجر و مشارکت و واگذاری مسئولیت به دانش‌آموزان باعث افزایش شادکامی آنان شود (گو^۳ و همکاران، ۲۰۱۹). با توجه به اینکه شاگردان ساعات طولانی در مدارس و در کلاس‌های درس حضور دارند، لذا انتظار می‌رود فراهم کردن موقعیت برای تقویت حس شادکامی از درجه اهمیت بالایی برخوردار باشد (مظفری‌نیا و همکاران، ۱۳۹۳).

مدیر کلاس به منظور موفقیت در تدریس و تحقق اهداف آموزشی، ملزم به فراهم آوردن شرایط مناسب (رحیمی و مشکی‌باف مقدم، ۱۳۹۹)، خلق لحظات شاد و بهترین محیط ممکن برای افزایش یادگیری شاگردان است (مارتین^۴ و همکاران، ۱۹۹۸). آنچه در بحث مدیریت کلاس توجه پژوهشگران را جلب کرده، وجود تفاوت در رفتارهای مدیریتی معلمان و بازتاب آن در رفتار دانش‌آموزان است. به عقیده ولفگانگ، تفاوت در الگوی رفتاری مدیریت کلاس معلمان، ناشی از عقاید و باورهای متفاوت آنان درباره رشد و یادگیری کودکان است (مارتین و یین^۵، ۱۹۹۹). فرینگ^۶ توضیح می‌دهد، فعالیت‌های کلاسی و شیوه‌های مدیریتی معلمان مبتنی بر باورهایشان است، لذا واکنش معلمان به موقعیت‌های کلاسی، شیوه‌ها و روش‌هایی که در حل

¹ Oxford Happiness List

² Ihtiyaroglu

³ Gu

⁴ Martin

⁵ Martin & Yine

⁶ Fringe

مسائل (عظیمی و همکاران، ۱۳۹۲) کلاس برمی‌گزینند، ریشه در باورهای آنان دارد (جرمین^۱، ۲۰۰۲).

نظریه‌پردازان بر اساس خاستگاه نظری؛ سبک‌های مدیریت کلاس را به دو دسته تقسیم کرده‌اند: گروه اول، برگرفته از نظریات رشته مدیریت که به کارآیی و اثربخشی تاکید دارند، به عنوان مثال: وانگ سبک‌های چهارگانه معلم در مدیریت کلاس را شامل؛ قدرت طلب، مقتدر، آزادمنش و بی‌تفاوت (دولیتل^۲، ۲۰۰۳)، همچنين بامریند^۳ (۱۹۷۱)، چهار نوع سبک قدرت‌طلب، مقتدر، افراطی و بخشنده و آسان‌گیر و لوین و همکاران نیز سبک‌های استبدادی، مجاز و دموکراتیک را معرفی کرده‌اند (لوین^۴ و همکاران، ۱۹۳۹).

در سبک استبدادی (اقتدارگرا)، معلم مرکز همه قدرت‌هاست (بالگر^۵ و همکاران، ۲۰۰۲)؛ (بوش و کرافورد^۶، ۲۰۱۲) اما در سبک دموکراتیک، بر توازن نقش معلم و شاگرد در فرایند آموزش و تبادل افکار (هریس و مویجس^۷، ۲۰۰۵)؛ توجه به نیازها، ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان برای تصمیم‌گیری (اولابسی^۸ و همکاران، ۲۰۲۰) تاکید می‌گردد و در سبک مجاز، بر حداقل تداخل معلم در کار شاگردان تمرکز می‌شود (مارگارت^۹، ۲۰۱۴).

پژوهشگران دسته دوم، بر تئوری‌های یادگیری و روانشناسی رشد در مدیریت کلاس تاکید می‌کنند که در آن شاگرد، دارای اختیار و حق انتخاب است و رضایت‌مندی و شادکامی او بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. بر این اساس، اسپالدینگ^{۱۰} (۱۹۹۸)، سه نوع سبک دانش‌آموزمحوری، معلم‌محوری یا تلفیقی از هر دو را به عنوان رویکردها و سبک‌های اداره کلاس معرفی می‌کند. در این گروه، چارچوبی که ولفگانگ و گلیکمن^{۱۱} ابتدا در سال ۱۹۸۶ و سپس در سال ۱۹۹۵ به‌طور کامل‌تر ترسیم کردند (آریاپوران و همکاران، ۱۳۹۲) دارای دقت و جامعیت است. آنان معتقدند؛ سبک «مداخله‌گر» با تاکید بر اعمال کنترل و نظارت بیشتر بر فعالیت‌ها و رفتارهای دانش‌آموزان و تاکید بر قوانین و انضباط کلاس، مترادف با سبک

¹ Germine

² Doolittle

³ Bamrind

⁴ Levin

⁵ Bulger

⁶ Bush & Crawford

⁷ Harris & Muijs

⁸ Olabisi

⁹ Margaret

¹⁰ Margaret

¹¹ Wolfgang & Glickman

«استبدادی»، سبک «تعامل‌گرا» با تأکید بر کنترل و انضباط در سایه‌ی تعامل میان دانش‌آموز و معلم و سهیم شدن دانش‌آموزان در برنامه‌ریزی‌های کلاسی همسو با سبک «دموکراتیک» و سبک «غیرمداخله‌گر» به معنای واگذاری مسئولیت‌ها به دانش‌آموزان و فرصت بیشتر برای تعامل آزاد در کلاس که هم‌تراز با سبک «مجاز» در توصیف لوین و همکاران می‌باشد، است. نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد، به‌کارگیری سبک‌های تعاملی مدیریت به منظور مشارکت فعال دانش‌آموزان در امر آموزش، باعث بهبود سازماندهی فضای آموزشی، تسهیل فرایند تدریس و افزایش یادگیری فراگیران می‌شود (فاسمیان‌صفایی و فرج‌زادگان، ۱۳۹۰). هرچه از مداخله‌گرایی کم کنیم، به تناسب کنترل کمتر و در مقابل مشارکت و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموز در کلاس افزایش می‌یابد (مارتین، ۱۹۹۷) و (ووبلز^۱ و همکاران، ۲۰۱۴).

با وجود اینکه پژوهش‌های متعددی، شادکامی را به عنوان یکی از مولفه‌های مهم برای ابراز رضایت از اتفاقات، رخ‌دادها، وقایع و جو حاکم بر مدیریت کلاس شناسایی کرده است (آپراجیتا و مانی‌باسینو، ۲۰۱۹)؛ (بالگر^۲ و همکاران، ۲۰۰۲) و (دسترک^۳ و همکاران، ۲۰۱۵) اما در یک کفه نایاب‌تر، در گفتمان نابرابر قدرت، شاگردان توان اعلان صدای خود در سهم‌خواهی از شادکامی و انتخاب سبک رفتاری معلم را ندارند. لذا برای شنیده شدن صدای نیازهای حقیقی شاگردان به خصوص در دوره اول ابتدایی (اول تا سوم ابتدایی) و انتخاب رفتار بهینه مدیریتی از طرف معلمان، می‌توان به «نشانه‌های موجود» در کلاس درس توجه جدی نمود (مشکی‌باف مقدم و همکاران، ۱۳۹۸).

درپیشینه پژوهش‌هایی که یافت شد، تأثیر سبک‌های مدیریت که گویای بهبود سازماندهی فضای آموزشی، تسهیل فرایند تدریس و افزایش یادگیری فراگیران همچنین مشارکت و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموز و ... است، پرداخته شده اما به بررسی رابطه سبک‌های مدیریت کلاس با شادکامی شاگردان در مقطع ابتدایی اول که سال‌های آغازین حضور کودکان در ساختار نظام رسمی آموزش و پرورش است، پرداخته نشده است. در پژوهش‌های مشابه، سبک معلمی توسط خودمعلم، سنجیده شده است، همچنین پرسشنامه‌های شادکامی برای بزرگسالان طراحی شده و دانش‌آموزان ابتدایی توان اعلان نظرات خود را ندارند، این امر چالش اصلی در پرسشنامه‌های موجود بود.

¹ Wubbels

² Bulger

³ De Stercke

لذا نوآوری اصلی این پژوهش، در آن است که اطلاعات مربوط به سبک معلمی و سنجش میزان شادکامی شاگردان پایه‌های اول، دوم و سوم ابتدایی؛ به جای خوداظهاری، از طریق روایت‌های مشاهده شده، به دیگراظهاری تبدیل شد. کارورزان دانشگاه فرهنگیان به عنوان یک مشاهده‌گر بی‌طرف و به‌دور از سوگیری، به نقش بازیگران اصلی کلاس درس توجه حداکثری نمودند و رابطه بین سبک‌های مدیریتی معلم از منظر روانشناسی، با میزان شادکامی دانش‌آموزان دوره اول ابتدایی مورد سنجش قرار دادند. این مطالعه با راه‌اندازی گفت‌مان در باب شاکامی، توجه‌ذی‌نفعان را به عواطف و احساسات شاگردان، به عنوان بخش عمده‌ای از حیطه‌ی یادگیری جلب و با پرهیز از تعمیم نتایج به کل جامعه اصلی، از بزرگ‌نمایی نتایج پرهیز کرد.

براین اساس، از رهگذر پاسخگویی به پرسش‌های ذیل به هدف این پژوهش خواهیم رسید:

سوال اول؛ در بین دانش‌آموزان مدارس ابتدایی شادکامی تا چه حدی وجود دارد؟

سوال دوم؛ آیا بین سبک مدیریت معلم و ایجاد شادکامی در دانش‌آموزان ابتدایی همبستگی وجود دارد؟

سوال سوم؛ آیا بین سبک مدیریت معلم و جنسیت دانش‌آموزان و میزان شادکامی، همبستگی وجود دارد؟

سوال چهارم؛ آیا بین سبک مدیریت کلاس درس معلم، سابقه خدمت و شادکامی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟

سوال پنجم؛ آیا بین سبک مدیریت کلاس درس معلمین و شادکامی دانش‌آموزان در پایه‌های اول، دوم و سوم تفاوت وجود دارد؟

روش تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی و به روش پیمایشی با هدف ورود به گفت‌مان‌سازی در باب توجه به عواطف و احساسات دانش‌آموزان، انجام شد. جامعه آماری این پژوهش، کلیه کلاس‌های دوره اول ابتدایی نواحی سه، چهار و شش مشهد بود، حجم نمونه؛ بررسی معلمین و دانش‌آموزان ۲۸ کلاس که دانشجویان دانشگاه فرهنگیان تحت نظارت استاد راهنما در آن مشغول به

کارورزی بودند و به روش دردسترس^۱، تعیین شد. علت انتخاب روش در دسترس، حفظ اصالت داده‌های پژوهشی و بهره‌وری بیشتر از ابزار مشاهده بود. هدف اساسی این پژوهش، توصیف شواهد شادکامی در کلاس درس بود، لذا از بین روش‌های مبتنی بر آمار غیراحتمالی، انتخاب نمونه در دسترس، برگزیده شد. روش نمونه‌گیری در دسترس، یکی از روش‌های تسهیلگر غیراحتمالی است که در این پژوهش با توجه به حضور موثر کارورزان دانشگاه فرهنگیان که دوره‌های تخصصی کارورزی را گذرانده‌اند، کمترین خطا و اثر آزمایشگاهی را بر نتایج پژوهش و بهترین فرصت مشاهده‌گری را فراهم کرد. هرچند در تعمیم این روش به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده یافته‌های پژوهش، مجاز به تعمیم نتایج به جامعه بزرگ‌تر می‌باشد، اما در اینجا این قصد لحاظ نشده است.

در بررسی پیشینه و مطالعات انجام شده، پژوهشی، حاکی از سنجش میزان شادکامی شاگردان ابتدایی و ارتباط آن با سبک مدیریت کلاس، تا زمان نگارش این مقاله در ایران و حتی سایر کشورها، یافت نشد، زیرا برای بیان و اظهار احساسات دانش‌آموزان ابتدایی، هیچ پرسشنامه و یا هر ابزار دقیق پژوهشی دیگری که قادر به سنجش دقیق احساسات کودکان باشد، گزارش نشد. با توجه به آن‌که دانش‌آموزان ابتدایی توان اعلان احساسات خود را در قالب پاسخ‌دهی به پرسشنامه ندارند و پرسشنامه‌های شادکامی موجود، برای بزرگسالان طراحی شده است و از طرفی در تحقیقات انجام شده، اصولاً سبک معلمی توسط خود معلم، سنجیده شده است و این امر ممکن است با سوگیری همراه باشد و نتایج پژوهش‌ها را تحت‌الشعاع قرار دهد. لذا از منظر پژوهشگران این مطالعه، موارد فوق، چالش اصلی در تکمیل پرسشنامه‌های موجود برای سنجش این رابطه بود، بنابراین، دانشجویان کارورز، به عنوان مشاهده‌گر دوره دیده و بی‌طرف، با داشتن اطلاعات جامع و کامل از جو کلاس، توجه و حساسیت نسبت به رفتارها، کنش‌ها، عکس‌العمل‌های معلمین و شاگردان، برای سنجش میزان شادکامی دانش‌آموزان و مشاهده مستقیم رفتارهای معلم برای سنجش سبک مدیریت معلم، پرسشنامه‌های مربوطه را تکمیل کردند.

نوآوری این پژوهش در انتخاب سن شاگردان و نحوه استفاده از ابزار آن بود که با توجه به محدودیت‌های موجود در سنجش میزان شادکامی دانش‌آموزان و تعیین سبک مدیریت معلم، ابزارهای این پژوهش به گونه‌ای متفاوت، قابلیت کافی برای این امر را فراهم کرد. از این رو در پژوهش حاضر، اطلاعات مربوط به سبک معلمی و سنجش میزان شادکامی شاگردان دوره اول

¹ convenience sampling

ابتدایی؛ از طریق روایت‌های مشاهده شده کارورزان دوره دیده در امر پژوهش و مهارت‌های معلمی، گردآوری و هردو پرسشنامه توسط کارورزان به تناسب، تکمیل شد.

به منظور سنجش سبک مدیریت کلاس، پرسشنامه محقق‌ساخته بر مبنای پرسشنامه ولفگانگ و گلیکمن که توسط یزدی و همکاران در سال ۱۳۸۷ به زبان فارسی برگردانده شده است، مبنای کار قرار گرفت. این پرسشنامه که به سنجش باورهای معلم درباره کنترل کلاس بر مبنای سه رویکرد (مداخله‌گرا، تعامل‌گرا و غیر مداخله‌گرا) می‌پردازد دارای ۲۵ گویه در سه مقیاس (مدیریت رفتار، افراد و آموزش) است و نمره کل سبک مدیریت کلاس از جمع این سه مقیاس به دست می‌آید. طبق الگوی ولفگانگ، نمرات در یک طیف از ۲۵ تا ۱۰۰ قرار می‌گیرند که نمره بالا در این طیف نشانگر سبک مدیریت مداخله‌گر و نمره پایین سبک غیرمداخله‌گر است. سبک تعامل‌گرا نیز در نقطه میانی این طیف بین دو سبک دیگر جای دارد. در این پرسشنامه، ۱۳ سؤال (سوالات ۱ تا ۱۳) در باره مدیریت آموزش، ۸ سؤال (سوالات ۱۴ تا ۲۱) در باره مدیریت افراد و ۴ سؤال (سوالات ۲۲ تا ۲۵) شامل مدیریت رفتار می‌باشد. نمره گذاری و پاسخ‌ها نیز در مقیاس چهار گزینه‌ای لیکرت مطابق؛ همیشه=۴، معمولاً=۳، تا اندازه‌ای=۲ و هرگز=۱ تهیه شده است. نمره سؤالات ۳ و ۴ معکوس می‌باشد. در این پژوهش، نحوه پاسخگویی به پرسشنامه، از روش «خودگزارش‌دهی» به روش «پاسخ‌دهی توسط مشاهده‌گر»، تغییر داده شد و روایی آن توسط ۳ متخصص این حوزه تایید و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۶ بدست آمد.

با توجه به تعاریف یاد شده در پیشینه، شادکامی یک حس درونی است که بعضی از آن، شواهد بیرونی دارد. مبنای تهیه پرسشنامه شادکامی مورد استفاده در این تحقیق، پرسشنامه شادکامی آکسفورد که توسط ارگیل تهیه شده است، بود. ضرورت ایجاد کرد که پرسشنامه شادکامی آکسفورد به ۱۶ ماده در مقیاس درجه بندی (۰ تا ۳ امتیازی) تقلیل یابد و مواردی که پرسشنامه، احساسات درونی افراد را مورد سنجش قرار می‌داد و نشانه بیرونی برای سنجش نداشت، حذف شود، سپس پرسشنامه محقق‌ساخته که بر مبنای پرسشنامه استاندارد آکسفورد تهیه شده بود، در اختیار ۳ متخصص روانشناسی قرار گرفت و روایی محتوایی آن تایید گردید. پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۲ تایید شد. با توجه به مشاهدات و ثبت روایت‌های کلاس درس، نشانه‌های بیرونی شادکامی در دانش‌آموزان رصد شد و پرسشنامه تکمیل گردید.

فرایند اجرای پژوهش به گونه‌ای بود که، دانشجویان تحت نظارت یک استاد، طی دو ترم کارورزی، در کلاس‌های درس مدارس ابتدایی حاضر شدند و مشاهدات خود را در قالب تکمیل

پرسشنامه‌های «تعیین سبک مدیریت معلم» و «سنجش میزان شادکامی شاگردان» در همان کلاس، در اختیار محققین قرار دادند. داده‌های جمع‌آوری شده به وسیله نرم‌افزار و با استفاده از روش‌های آمار توصیفی (میانگین) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون، فی و دو رشته‌ای نقطه‌ای) تجزیه و تحلیل شد. در این پژوهش تعداد ۲۸ کلاس رصد شد، داده‌ها حاکیست؛ ۲۸ معلم که جنسیت همه آنان خانم بود و ۸۶۹ نفر دانش‌آموز که ۶۰/۷ درصد آنان دختر و ۳۹/۳ درصد از آنان پسر بودند، توسط ۲۸ کارورز، طی ۴۰ جلسه در بازه زمانی سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ مورد مشاهده و بررسی قرار گرفته، پرسشنامه‌ها تکمیل و سبک مدیریت هر معلم مشخص گردیده و بر اساس مقدار به دست آمده از مقیاس درجه‌بندی عددی، میزان تقریبی شادکامی دانش‌آموزان در همان کلاس محاسبه و ثبت گردیده است.

جدول شماره ۱: اطلاعات دموگرافیک و تعیین سبک مدیریتی معلمان و سطح شادکامی دانش‌آموزان دوره اول ابتدایی

ناحیه	مدرسه	کد معلم	رابطه	جنسیت دانش‌آموزان	تعداد دانش‌آموزان	سابقه خدمت معلم	درصد به دست آمده از سبک مدیریت	نوع سبک مدیریت معلم	میزان شادکامی دانش‌آموزان	سطح شادکامی دانش‌آموزان
۳	رابطه اکبر زاده	A	اول	دختر	۳۲	کمتر از ۲۰ سال	۶۳	تعامل‌گرا	۲۹	متوسط
		B	اول	دختر	۲۹	کمتر از ۲۰ سال	۷۱	تعامل‌گرا	۳۴	بالا
	منوچهر رزاقی	C	دوم	دختر	۳۴	کمتر از ۲۰ سال	۹۱	مداخله‌گر	۱۰	پایین
		D	اول	پسر	۳۰	بیشتر از ۲۰ سال	۸۵	مداخله‌گر	۲۲	متوسط
۴	پایدار	E	دوم	پسر	۳۲	بیشتر از ۲۰ سال	۹۰	مداخله‌گر	۱۶	متوسط
		F	اول	دختر	۳۵	بیشتر از ۲۰ سال	۸۷	مداخله‌گر	۲۵	متوسط
		G	اول	دختر	۳۶	کمتر از ۲۰ سال	۸۴	مداخله‌گر	۲۶	متوسط
	غیرانتفاعی امید	H	سوم	دختر	۳۸	بیشتر از ۲۰ سال	۸۲	مداخله‌گر	۲۸	متوسط
		I	اول	پسر	۳۲	کمتر از ۲۰ سال	۸۹	مداخله‌گر	۲۴	متوسط
		J	اول	پسر	۳۰	کمتر از ۲۰ سال	۷۱	تعامل‌گرا	۳۲	بالا
۶	مهارت	K	اول	پسر	۳۲	کمتر از ۲۰ سال	۷۴	تعامل‌گرا	۲۸	متوسط
		L	سوم	پسر	۷	کمتر از ۲۰ سال	۷۳	تعامل‌گرا	۲۲	متوسط
	شهید برونسی	M	دوم	پسر	۲۷	کمتر از ۲۰ سال	۶۹	تعامل‌گرا	۳۶	بالا
		N	سوم	پسر	۲۸	کمتر از ۲۰ سال	۸۳	مداخله‌گر	۱۶	متوسط
	شهید برونسی	O	اول	دختر	۲۶	بیشتر از ۲۰ سال	۸۷	مداخله‌گر	۱۵	پایین
		P	دوم	دختر	۳۴	بیشتر از ۲۰ سال	۷۰	تعامل‌گرا	۴۰	بالا

متوسط	۳۱	تعامل‌گرا	۷۱	کمتر از ۲۰ سال	۳۶	پسر	اول	Q	شهر یاری	۶
متوسط	۲۵	مداخله‌گر	۸۷	بیشتر از ۲۰ سال	۳۵	پسر	اول	R		
متوسط	۲۸	تعامل‌گرا	۶۲	بیشتر از ۲۰ سال	۳۴	دختر	دوم	S	ارشاد	
متوسط	۲۷	مداخله‌گر	۸۳	کمتر از ۲۰ سال	۳۴	دختر	سوم	T		
متوسط	۱۹	مداخله‌گر	۹۰	کمتر از ۲۰ سال	۳۶	دختر	سوم	U		
متوسط	۲۸	مداخله‌گر	۸۳	کمتر از ۲۰ سال	۲۸	دختر	دوم	V	شاهد تحقیقی	
متوسط	۱۶	مداخله‌گر	۷۷	بیشتر از ۲۰ سال	۳۰	دختر	دوم	W		
متوسط	۳۱	تعامل‌گرا	۷۳	بیشتر از ۲۰ سال	۲۸	دختر	سوم	X		
متوسط	۲۷	مداخله‌گر	۷۸	بیشتر از ۲۰ سال	۳۱	دختر	اول	Y	موسسی	
متوسط	۲۲	تعامل‌گرا	۷۲	بیشتر از ۲۰ سال	۳۴	دختر	اول	Z		
متوسط	۳۰	تعامل‌گرا	۷۴	بیشتر از ۲۰ سال	۲۷	دختر	سوم	A a		
بالا	۳۵	تعامل‌گرا	۷۱	کمتر از ۲۰ سال	۳۴	پسر	سوم	A b	حسینیان	

یافته‌ها

در پاسخ به سوال اول پژوهش که فصد پیدا کردن میزان شادکامی دانش‌آموزان در سبک‌های متفاوت مدیریت معلم در دانش‌آموزان ابتدایی را دارد، داده‌های موجود در جدول ۱ نشان می‌دهد، ۴۶/۴ درصد از معلمین از سبک تعامل‌گرا استفاده کردند که در بین این تعداد ۶۱.۵ درصد آنان از میزان شادکامی دانش‌آموزان‌شان متوسط، ۳۸.۴ درصد از شادکامی بالا برخوردار بودند. ۵۳.۵ درصد از معلمین از سبک مداخله‌گر استفاده کردند که از این تعداد ۸۶.۶ درصد از شاگردان آنان شادکامی متوسط و ۱۳.۳ از شادکامی پایین بهره‌مند بودند. در کلاس‌های بررسی شده به کارگیری سبک غیرمداخله‌گر مشاهده نشد.

در پاسخ به سوال دوم پژوهش که می‌خواهد همبستگی شادکامی دانش‌آموزان مدارس ابتدایی را با سبک مدیریت معلمین ابتدایی بسنجد، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میزان شادکامی مشاهده شده در کلاس‌های درس بیشتر تمایل به حد متوسط داشت و سطح بالایی از شادکامی در بین دانش‌آموزان ابتدایی مشاهده نشد.

جدول شماره ۲: میزان همبستگی بین سبک مدیریتی کلاس درس و میزان شادکامی دانش‌آموزان

میزان شادکامی		متغیر
معناداری (P)	همبستگی (r)	سبک مدیریت
۰/۰۱	** ۰/۶۶ -	

جدول ۲ گویای همبستگی بین سبک مدیریتی کلاس درس و شادکامی دانش‌آموزان (۰/۶۶-) است. نتایج حاکی از آن است بین این دو متغیر همبستگی معکوس و معنادار وجود دارد بدین معنا که هر چه سبک مدیریتی معلمان در کلاس درس مداخله‌گراتر باشد، شادکامی دانش‌آموزان پایین‌تر است.

سوال سوم پژوهش که همبستگی بین سبک مدیریت معلم، جنسیت دانش‌آموزان و میزان شادکامی را مورد بررسی قرار داد، ۴۱/۱ درصد از معلمان از سبک تعامل‌گر برای دانش‌آموزان دختر استفاده کردند که از این تعداد ۷۱/۴ درصد سطح شادکامی متوسط و ۲۸/۵ درصد سطح شادکامی بالا داشتند.

۵۸/۵ درصد از معلمان که از سبک مداخله‌گر استفاده کردند، مربوط به دانش‌آموزان دختر است که ۸۰ درصد سطح شادکامی متوسط داشتند، و ۲۰ درصد سطح شادکامی پایین داشتند.

۵۴/۵ درصد از معلمینی که از سبک تعامل‌گر استفاده کردند مربوط به دانش‌آموزان پسر است که ۵۰ درصد سطح شادکامی بالا داشتند و ۵۰ درصد سطح شادکامی متوسط داشتند.

۴۵/۴ درصد از معلمان که از سبک مداخله‌گر استفاده کردند مربوط به دانش‌آموزان پسر است که ۱۰۰ درصد سطح شادکامی متوسط داشتند.

جدول شماره ۳: سبک مدیریتی کلاس درس معلم براساس جنسیت شاگردان به درصد

جنسیت	تعامل‌گر	شادکامی	مداخله‌گر	شادکامی
دختر	۴۱/۱	متوسط ۷۱/۴	۵۸/۵	۸۰ متوسط
		بالا ۲۸/۵		۲۰ پایین
پسر	۵۴/۵	۵۰ بالا	۴۵/۴	۱۰۰ متوسط
		۵۰ متوسط		

جدول شماره ۴: میزان همبستگی بین جنسیت و شادکامی دانش‌آموزان

میزان شادکامی		متغیر
معناداری (p)	همبستگی (r)	
۰/۳۷	- ۰/۱۷	جنسیت

نتایج همبستگی بین جنسیت و شادکامی دانش‌آموزان در جدول ۴ دال بر وجود همبستگی معکوس و ضعیف بین این دو متغیر (۰/۱۷) است که منفی بودن نتیجه نشان از معنادار نبودن آن است. لذا می‌توان نتیجه گرفت که پسران نسبت به دختران از شادکامی کمتری در کلاس درس برخوردارند، هرچند این رابطه ضعیف است.

در پاسخ به چهارمین سوال این پژوهش که به دنبال پیدا کردن رابطه بین سبک مدیریت کلاس درس، سابقه خدمت معلم و شادکامی دانش‌آموزان بود، نتایج نشان می‌دهند؛ بر اساس اطلاعات دموگرافیک به دست آمده، ۵۳/۶ درصد معلمان سابقه کمتر از ۲۰ سال و ۴۶/۴ درصد معلمان بیشتر از ۲۰ سال سابقه هستند.

در مجموع معلمان ۴۶ درصد سبک تعامل‌گر و ۵۴ درصد سبک مداخله‌گر داشتند که با توجه به برخورداری نواحی آموزشی که رغبت بیشتر معلمان با سابقه در این نواحی را به همراه دارد، آنان در دو دسته زیر بیست سال و بالای بیست سال خدمت، مورد بررسی قرار گرفتند. در مجموع، از ۵۳/۵ درصد معلمان با سابقه زیر بیست سال، ۲۸/۵ درصد سبک تعاملی و ۲۵ درصد سبک مداخله‌گر داشتند اما در دسته دوم، از ۴۶/۵ درصد معلمان با سابقه خدمت بیشتر از ۲۰ سال، ۱۷/۵ درصد معلمان سبک تعامل‌گر و ۲۹ درصد سبک مداخله‌گر داشتند.

جدول شماره ۵: سبک مدیریت کلاس درس معلم بر اساس سابقه خدمت

سابقه خدمت معلم	درصد	تعامل‌گر	مداخله‌گر
کمتر از ۲۰ سال	۵۳/۵	۲۸/۵	۲۵
بیشتر از ۲۰ سال	۴۶/۵	۱۷/۵	۲۹
جمع	۱۰۰	۴۶	۵۴

جدول شماره ۶: میزان همبستگی بین سبک مدیریت کلاس درس و سابقه تدریس معلمان بالاتر از ۲۰ سال

سابقه تدریس معلمان بالای ۲۰ سال		متغیر
معناداری (p)	همبستگی (r)	
۰/۴۷	- ۰/۱۵	سبک مدیریت کلاس درس

جدول ۶ همبستگی بین دو متغیر سبک مدیریت کلاس درس و سابقه تدریس معلمان را نشان می‌دهد. همبستگی بین این دو متغیر (-۰/۱۵) بوده و معنادار نیست. این مقدار رابطه ضعیف و معکوس بین سبک مدیریتی و سابقه کار بالاتر از ۲۰ سال معلمان را نشان می‌دهد. یعنی معلمان بالاتر از ۲۰ سال سبک مدیریت کلاس درس مداخله‌گرتری نسبت به معلمان با سابقه کمتر از ۲۰ سال دارند. اما این رابطه ضعیف می‌باشد.

سوال پنجمی که مورد بررسی قرار گرفت، این بود که آیا بین سبک مدیریت کلاس درس معلمین و شادکامی دانش‌آموزان در پایه‌های اول، دوم و سوم تفاوت وجود دارد؟ از بین ۴۶/۱ درصد از معلمین پایه اول که سبک تعامل‌گر داشتند، ۶۶/۶ درصد شاگردان سطح شادکامی متوسط و ۳۳/۳ درصد سطح شادکامی بالا و از بین ۵۳/۸ درصد از معلمین همان پایه که سبک مداخله‌گر داشتند، ۸۵/۷ درصد شاگردان سطح شادکامی متوسط و ۱۴/۲ درصد سطح شادکامی پایین داشتند.

جدول شماره ۷: سبک مدیریت کلاس درس معلمین براساس پایه‌های تحصیلی

پایه	تعامل‌گر	شادکامی	مداخله‌گر	شادکامی
اول	۴۶/۱	متوسط ۶۶/۶ بالا ۳۳/۳	۵۳/۸	متوسط ۸۵/۷ پایین ۱۴/۲
دوم	۴۲/۸	بالا ۶۶/۶ متوسط ۳۳/۳	۵۷/۱	متوسط ۷۵ پایین ۲۵
سوم	۵۰	متوسط ۷۵ بالا ۲۵	۵۰	متوسط ۱۰۰

مطابق اطلاعات جدول ۷ بین معلمین پایه دوم، ۴۲/۸ درصد سبک تعامل‌گرا دیده می‌شود که ۶۶/۶ درصد از آنان از سطح شادکامی بالا و ۳۳/۳ درصد از سطح متوسط برخوردار بودند و ۵۷/۱ درصد از معلمین همین پایه، سبک مداخله‌گر داشتند که ۷۵ درصد شاگردان سطح شادکامی متوسط و ۲۵ درصد سطح شادکامی پایین را تجربه کردند. ۵۰ درصد از معلمین پایه سوم سبک تعامل‌گر داشتند که ۷۵ درصد شاگردان سطح شادکامی متوسط و ۲۵ درصد سطح شادکامی بالا داشتند و ۵۰ درصد باقی‌مانده از معلمین پایه سوم سبک مداخله‌گر داشتند که ۱۰۰ درصد شاگردان سطح شادکامی متوسط داشتند.

بحث و نتیجه‌گیری

شناخت و توصیف احساسات و نحوه بروز و ظهور آن در رفتار کودکان، باعث تجهیز آنان به حال بهتر و حل تعارضات در زندگی روزمره می‌شود. شاد بودن و زندگی شادمانه حق هر انسان و به‌خصوص هر کودکی است که عمر مفید خود را در بهترین ساعات روز در مدرسه و زیر نظر نظام آموزشی و معلم می‌گذراند. نتایج پژوهش‌های زیادی (آپراجیتا و مانی باسینو، ۲۰۱۹ و برادبرن، ۱۹۶۹، آرگیل و همکاران، ۱۹۹۵، استونز و همکاران، ۱۹۹۶، جوزف و لوئیس، ۱۹۹۸، لیوبومی‌رسکی و لپر، ۲۰۰۵، آرگیل، ۲۰۰۳ و داینر، ۲۰۰۲) ثابت می‌کنند که دانش‌آموزان شاد، یادگیری بیشتری دارند.

شاگردان به‌خصوص در سنین ابتدایی قادر به سهم‌خواهی در سیطره نظام آموزشی نیستند و در کفه نابرابر قدرت، به شکل علنی، نمی‌توانند به دنبال نیازهای خود باشند. در همین راستا؛ انجام پژوهش‌هایی دربار رفتارهای شاگردان در کلاس و راه‌اندازی گفت‌وگوهای در این باب روزنه‌ای به سوی خلق فرصت‌های مناسب محسوب می‌شود تا صدای ناشنیده کودکان، به گوش طراحان برنامه، مجریان و مدیران کلاس‌ها برسد. یکی از مهمترین راه‌های شنیدن صدای شاگردان، توجه، شناخت و بیان احساسات و ادراک آنان؛ در مشاهده مستقیم کلاس‌های درس، توسط پژوهشگران بی‌طرف است، اما برای کسب بهترین نتایج، محققین بایستی تلاش کنند که فضای کلاس به شکل تحقیقات آزمایشگاهی، مصنوعی نشود و مشاهدگر در شرایط طبیعی وقایع کلاس را رصد نماید.

درس کارورزی در دانشگاه فرهنگیان بالاترین قابلیت طراحی پژوهش‌هایی که با حقایق کلاس درس نزدیک باشد، را دارد. مطالعه حاضر فرصت مغتنمی بود تا کارورزان به عنوان

مشاهده‌گران بی‌طرف رخدادهای حقیقی کلاس، پاسخگوی پرسشنامه‌ی شادکامی از طرف شاگردان باشند، شواهد بیرونی شادکامی شاگردان را ملاحظه و پرسشنامه مربوط به آن را تکمیل کنند. از طرفی همین کارورزان، با مشاهده رفتار معلم در همان کلاس، مشاهده‌گر رفتارهای معلم بوده و پرسشنامه سبک معلم را نیز پر کردند.

طی فرایند این مطالعه، به ۵ سوال پژوهش به تفکیک پاسخ داده شد. نتایج کلی حاصل از همبستگی بین سبک مدیریتی کلاس درس و شادکامی دانش‌آموزان مبین این است که بین این دو متغیر همبستگی معکوس و معنادار وجود دارد.

مهمترین مولفه این پژوهش شادکامی شاگردان بود. مطابق نتایج پژوهش‌های متعددی که در باره این مولفه انجام شده است، شادکامی شاگردان باعث افزایش فاکتورهای زیادی شامل: پیشرفت تحصیلی (صالحی عمران و عابدینی بلترک، ۱۳۹۷) و (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۲)، بازدهی فردی، خانوادگی و اجتماعی (لیوبومیرسکی و لپر، ۲۰۰۵)، تاب‌آوری (سوری و همکاران، ۱۳۹۹)، امید، خودکارآمدی و سرزندگی تحصیلی (صدوقی و حسام‌پور، ۱۳۹۸)، شایستگی‌های هیجانی- اجتماعی، بهبود جو مدرسه (امامقلی‌وند و همکاران، ۱۳۹۸)، ارتقا باورهای فراشناختی و خودکارآمدی (عزیزیان، ۱۳۹۸)، مهارت‌های ارتباطی (سبزی و فولادچنگ، ۱۳۹۸)، کاهش مشکلات بین‌فردی، هیجانی- رفتاری (بیگی و همکاران، ۱۳۹۸) می‌شوند.

مولفه مهم دیگر این پژوهش سبک معلمی است که ارتباط آن با مولفه‌های دیگر در مطالعات زیادی مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفته است. نتایج پژوهش‌ها؛ درباره سبک تعاملی مدیریت معلم و تاثیر مثبت آن را بر (بخشایش، ۲۰۱۳) ویژگی شخصیتی معلمین (آریاپوران، عزیزی و دیناروند، ۱۳۹۲)، پیشرفت تحصیلی شاگردان (دیجیک و استوجیلیکوویک^۱، ۲۰۱۱)، خلاقیت و تاثیر آن بر کیفیت زندگی در مدرسه و اضطراب (هژبری و شفیع‌زاده، ۱۳۹۶)، خودتنظیمی و پیشرفت تحصیلی (هادی، ۱۳۹۵)، رشد مهارت‌های فراشناختی (امین‌زیدی و عالی، ۱۳۸۷)، خلاقیت و میانجی‌گری بهزیستی روانشناختی (شریعت باقری و شمسایی، ۱۳۹۸) را مورد سنجش و تاکید قرار داده‌اند. نتایج حاصل از تحقیق حاضر تاکید کرد علاوه بر نتایج مثبت استفاده از سبک مدیریت تعاملی که در بالا قید شد، این سبک بر افزایش شادکامی در شاگردان نیز اثرگذار است. هر چند پژوهش (کیانی و مظاهری، ۱۳۹۷) در باره دانش‌آموزان

¹ Djigic & Stojiljkovic

بزرگتر و سنین غیر ابتدایی، ادعاهایی مبنی بر تاثیر سبک مدیریت معلمین بر شادکامی شاگردان دارد و با تاکید در تفاوت جدی در شیوه پر کردن پرسشنامه‌ها که در پژوهش آنان، جنبه خوداظهاری داشت، این نتایج، هم‌راستا با نتایج پژوهش حاضر، به اهمیت اتخاذ سبک مدیریت در کلاس درس توجه جدی دارد. لذا؛ هر چه سبک مدیریتی معلمان در کلاس درس مداخله‌گراتر باشد، شادکامی دانش‌آموزان کاهش نشان می‌دهد.

کاظمی و همکاران (۱۳۹۴) همسو با نتایج این پژوهش نشان دادند در بعضی کلاس‌های مورد مشاهده، معلمین از سبک تعاملی برای مدیریت کلاس بهره می‌برند، نتایج این پژوهش نویدبخش جنبش و حرکت معلمین از اتخاذ سبک مدیریت سنتی و مداخله‌گر به سمت اتخاذ سبک‌های مدیریت نوین و تعاملی در مسیر یادگیری نظام رسمی آموزشی و ایجاد نشاط و شادمانی در کودکان است. هرچند کلاس‌هایی که به سبک مداخله‌گرانه مدیریت می‌شدند آمار بیشتری را به خود اختصاص دادند و شادکامی متوسط در بین شاگردان نیز بیشتر بود، اما نکته حائز اهمیت آن‌است که در الگوهای رفتاری معلمین و انتظارات رفتاری شاگردان از نسل بزرگتر، تغییرات اساسی مشهود است و آن فریاد نازده شاگردان و یا ناشنیده متولیان بود که به پا خواسته‌اند و مطالبه‌گری می‌کنند. شاگردان، طالب کلاس‌های تعامل‌گرا برای ابراز وجود خود و زندگی در فضای شاد و پرانرژی هستند. نزدیک بودن آمار کلاس‌هایی که به شیوه تعامل‌گرا مدیریت شدند، نسبت به کلاس‌هایی که به سبک مداخله‌گر مدیریت می‌شدند و در یک نگاه کلی، اعداد و ارقام به نفع مطالبه‌گری شادکامی بیشتر شاگردان در سبک تعامل‌گرایی معلم را نمایش می‌دهند که اثباتی بر این مدعاست. نتایج به‌دست آمده حاکی از ایجاد تغییر در ایفای سبک مدیریت معلمین به نفع تعامل و برقراری ارتباط دو یا چند سویه معلم با شاگردان و شاگردان با هم را نوید می‌دهد و حاکی از آن است که نظام رسمی تعلیم و تربیت در بهبود بعضی مولفه‌های مدیریت کلاس درس، بازنگری نموده و اثرگذاری خوبی نیز داشته‌است و یا شاید اراده و خواست معلمین در این زمینه موثر بوده باشد، هرچند تا رسیدن به وضعیت مطلوب فاصله زیادی وجود دارد. ناگفته نماند در کلاس‌هایی که حتی به سبک تعاملی اداره می‌شوند، فقط حدود یک سوم شاگردان دارای شادکامی بالا هستند و دو سوم شاگردان این کلاس‌ها از شادکامی متوسط برخوردارند و بایستی به دنبال پیدا کردن علل عدم شادکامی شاگردان در سبک تعاملی مدیریت کلاس بود. شاید بتوان هم‌سو با نتایج پژوهش (شکوهی‌امیرآبادی و همکاران، ۱۳۹۷)، ادعا کرد که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

به مولفه‌های شادکامی به میزان کافی توجه نشده است و نیاز به بازنگری و تجدیدنظر در اسناد بالادستی را می‌طلبد.

جنسیت یکی از مولفه‌های مورد سنجش این پژوهش بود، نتایج پژوهش‌های (حسن دوست و همکاران، ۱۳۹۵)، (رئیزی و همکاران، ۱۳۹۲) و (دلاور و شکوهی امیرآبادی، ۱۳۹۹) عنوان داشتند بین میزان شادکامی افراد پسر و دختر تفاوت معناداری وجود ندارد اما پژوهش حاضر ادعا می‌کند از منظر جنسیت، دانش‌آموزان پسر از میزان شادکامی بالاتری نسبت به دانش‌موزات دختر، در هر دو سبک مدیریت برخوردار بودند. پسران در کلاس‌های تعاملی، شادکامی بالا و متوسط نمایش دادند و دختران هم همینطور اما در کلاس‌های به سبک مداخله‌گر، پسران به طور کامل شادکامی متوسط نمایش دادند اما دختران شادکامی متوسط و پایین را به نمایش گذاشتند. این نتایج هر چند ممکن است به سایر عوامل اجتماعی نیز مربوط باشد، اما در بحث مدیریت کلاس این برداشت را تداعی می‌کند که مقاومت دختران، در مداخلات آموزشی، نسبت به پسران بیشتر است. توجه به کنش‌ها و واکنش‌های کودکان و دانش‌آموزان در دوران ابتدایی در نظام آموزشی، فرصت مغتنمی برای برنامه‌ریزی و ایجاد تغییرات بهینه برای مسئولین و متولیان و پیش‌بینی واقع‌بینانه برای آینده دانش‌آموزان فراهم می‌کند.

از منظر سابقه خدمت، معلمین با سابقه زیر بیست سال، تفاوت زیادی در اتخاذ روش‌های تعاملی و مداخله‌گرانه نشان ندادند اما در بین معلمین با سابقه بالای بیست سال، گرایش بیشتری به روش‌های مداخله‌گرانه گزارش شد. بین سابقه خدمت معلمین در اتخاذ سبک مدیریت کلاس و میزان شادکامی شاگردان، پژوهشی یافت نشد. هر چند اعداد و ارقام جدول مربوط به این مبحث آنچنان معنای متفاوتی را به نمایش نگذاشت و در هر دو دسته از دو سبک مداخله‌گر و تعامل‌گرا، استفاده شده، اما نتایج نشان می‌دهد که معلمین با سابقه بیشتر تمایل به اتخاذ سبک مداخله‌گر دارند و معلمین با سابقه کمتر تمایل بیشتری به اتخاذ سبک تعامل‌گرا نشان می‌دهند. این مشاهدات، شاید نشان از تغییرات نسلی و نشانه‌هایی از تمایلات تغییر رفتار محسوب گردد. کیفیت زندگی کاری، مسایل اقتصادی، اجتماعی و انتظارات آموزشی، همچنین ادراک معلمین از موفقیت شاگردان در کسب رتبه‌های مختلف مطابق انتظارات والدین و تجربه زیسته معلمین (پیری و همکاران، ۱۳۹۸) در کنترل و ایجاد نظم، ممکن است در اتخاذ سبک مداخله‌گر، توسط معلمین با سابقه تاثیر داشته باشد. زمانی که اقدام به بررسی شادکامی در بین پایه اول و دوم می‌شود، مداخله معلم، سبب کاهش شادکامی

شاگردان شده و در کلاس‌های تعاملی شادکامی آنان افزایش پیدا می‌کند اما در بین دانش‌آموزان پایه سوم به نظر می‌رسد شاگردان با مداخلات معلم سازگارتر شده و بر میزان شادکامی آنان تاثیر چشم‌گیری ندارد. اگر اجازه نتیجه‌گیری در این بخش باشد، شاید بتوان تغییر رفتار شاگردان را با تغییر رفتار نظام آموزشی در سطح خرد تفسیر کرد، که شادابی و رغبت شاگردان به مرور در حال کاهش است. در نهایت، از دستاوردهای این پژوهش، آن که در بین معلمان، سبک غیرمداخله‌گر اصلاً مشاهده نشد. نتیجه فوق، این شائبه را به وجود می‌آورد که شاید سبک غیرمداخله‌گر و یا احتمالاً عواملی به جز سبک مدیریتی معلم می‌تواند در شادکامی شاگردان دخالت داشته باشند. اگر بپذیریم که زندگی در مدرسه بخش اساسی و عمده دوران کودکی را شکل می‌دهد و شاد بودن کودکان دوران زیبا و طلایی برای آنان و آینده بهتر و نوید بخش برای جامعه را رقم خواهد زد، مصمم می‌شویم به امر شادکامی بیشتر پپردازیم و ضرورت ایجاد می‌کند در اتخاذ روش‌های اداره نظام آموزشی و کلاس درس توجه جدی صورت گیرد.

ارائه پیشنهادات

با توجه به آن که اسناد بالادستی در تعیین شکل اداره کلاس‌ها نقش به‌سزایی بازی می‌کند به مسئولین، متولیان و صاحب‌نظران امر تعلیم و تربیت، هشدار جدی برای توجه به امر مهم شادابی شاگردان و فراهم کردن بستر شادکامی در کلاس درس در دستور کارشان قرار گیرد.

سبک‌های شناسایی شده و استفاده شده فعلی، شاید کفایت لازم برای ایجاد فضای شاد و ایجاد شادکامی در همه شاگردان را نداشته باشد. در کلاس‌های موجود نتایج استفاده از سبک مدیریت کلاس‌های تعامل‌گرا، رضایت کامل را به صورت صددرصد نمایش نداده است، لذا؛ به پژوهشگران آتی توصیه می‌شود به سبک‌های دیگر منجمله سبک غیرمداخله‌گر توجه نموده و مطالعات بیشتری صورت گیرد و در صورت تایید رابطه سبک غیرمداخله‌گر با افزایش شادکامی، اجرای آزمایشی آن توصیه می‌گردد.

به صاحب‌نظران تعلیم و تربیت، متخصصین علوم تربیتی، به مسئولین توصیه می‌گردد با برگزاری دوره‌های دانش‌افزایی، مهارت‌آموزی، توانمندسازی در صدد ایجاد تغییر در نگرش معلمان نسبت به استفاده از سبک مدیریت تعاملی و خلق کلاس‌ها و موقعیت‌های آموزشی شاد باشند.

از آنجا که این پژوهش بر روی معلمین خانم و در سه پایه اول ابتدایی اجرا شد، به محققین آتی توصیه می‌شود، ضمن سنجش سبک مدیریت معلمین آقا، قیاسی بین سبک مدیریتی معلمین مرد و زن انجام دهند. این پژوهش قابلیت اجرا در بین دانش‌آموزان سه پایه دوم ابتدایی و همچنین بررسی تاثیر سایر عوامل موثر بر شادکامی شاگردان را نیز داراست. همچنین توصیه می‌گردد سبک مدیریت معلم و میزان شادکامی شاگردان در ارائه دروس مختلف مثل تربیت‌بدنی، هنر و ریاضی و ... مورد سنجش قرار گیرد تا قابلیت خلق روش‌های جدید و تلفیقی فراهم گردد.

به معلمین پژوهشگر و فکور، توصیه موکد می‌گردد، اقدام به مطالعات اجتماعی، تربیتی، روانشناسانه در سطح مدرسه و کلاس درس و خلق سبک‌های جدید متناسب با بوم‌کلاس و روحیه شاگردان، به خصوص دختران ایرانی داشته‌باشند. استفاده از تجربیات زیسته، تفکر انتقادی در سطح کلاس درس، مسئولیت‌پذیری، خودیادگیرندگی و اراده جدی برای پیوستن به جنبش ایجاد تغییرات بهینه در نظام آموزشی، داشته‌باشند و پیشران شادابی و نشاط در بین شاگردان به‌خصوص دانش‌موزان دختر و امیدبخشی به جامعه آینده باشند.

تشکر و قدردانی

در نهایت از راهنمایی و راهبری اساتید متخصص، همکاری معلمین راهنمای کارورزی شاغل در مدارس نواحی هفت‌گانه مشهد و مشارکت دانشجویان کارورز پردیس شهید هاشمی-نژاد که در انجام پژوهش حاضر همراه و همیار بودند، نهایت تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

منابع و ماخذ

- آریاپوران، سعید؛ عزیزی، فرامرز و دیناروند، حسن. (۱۳۹۲). رابطه سبک مدیریت کلاس معلمان با انگیزش و پیشرفت ریاضی دانش‌آموزان پنجم ابتدایی. **روانشناسی مدرسه**. ۲(۱)، ۲۳-۴۱.
- ابراهیمی، امراه؛ اعرابی، سبحان و خالویی، محمدمهدی. (۱۳۹۲). مقایسه سلامت روان و مولفه های روان شناسی مثبت (امید، شادی و معنویت) در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان بر حسب سال‌های مختلف تحصیلی و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی آنان. **مجله دانشکده پزشکی اصفهان**. ۳۱(۲۶۱)، ۱۸۸۵-۱۸۹۶.

- اسپالدینگ، چریل‌لین. (۱۳۷۷). **انگیزش در کلاس درس**. ترجمه سعدی‌پور، اسماعیل و نائینان، محمدرضا. تهران: انتشارات مدرسه.
- امامقلی‌وند، فاطمه؛ کدیور، پروین و شریفی، حسن. (۱۳۹۸). پیش‌بینی شادکامی و خلاقیت بر اساس جو مدرسه با میانجی‌گری درگیری تحصیلی و شایستگی هیجانی- اجتماعی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی. **مجله روانشناسی تربیتی**. ۱۵(۵۲)، ۱۸۱-۱۵۵.
- امین‌یزدی، سیدامیر و عالی، آمنه. (۱۳۸۷). تاثیر ویژگی‌های معلم بر سبک مدیریت کلاس. **تعلیم و تربیت**. ۲۴(۱)، ۱۰۳-۱۲۵.
- بخشایش، علیرضا. (۱۳۹۲). رابطه سبک‌های مدیریت کلاس با ویژگی‌های شخصیتی معلمان مدارس ابتدایی شهر یزد. **رهیافتی نو در مدیریت آموزشی**. ۴(۱۴)، ۱۹۸-۱۸۵.
- بیگی، علی؛ مکوندحسینی، شاهرخ؛ سیادت، سیدعلی و دولتی، علی‌اکبر. (۱۳۹۸). بررسی روابط علی مشکلات بین‌فردی، هیجانی - رفتاری و شادکامی در دانش‌آموزان ابتدایی. **مجله رویش روانشناسی**. ۳۹(۶)، ۱۶۴-۱۵۷.
- پیری، موسی، مهدی‌پور، مریم و بابائی، شهلا. (۱۳۹۸). نقش دانش، نگرش و مهارت‌های دبیران دوره متوسطه در به‌کارگیری فناوری اطلاعات در فرایند یاددهی- یادگیری. **تدریس- پژوهی**. ۷(۲)، ۱-۲۰.
- حسن دوست، فاطمه؛ علیزاده، عاطفه؛ مؤمنی، مریم؛ نوروزی پرشکوه، نسترن و یوسفی، فاطمه. (۱۳۹۵). ارتباط هوش معنوی و شادکامی در دانشجویان پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی قزوین در سال ۱۳۹۴. **مجله دانشکده پرستاری و مامایی همدان**. ۲۴(۴)، ۲۶۴-۲۷۱.
- دلور، علی و شکوهی امیرآبادی، لیلا. (۱۳۹۹). بررسی وضعیت شادکامی و رضایت از زندگی دانشجویان در زمان بحران بیماری کرونا و ویروس جدید (کووید-۱۹). **فصلنامه روان‌شناسی تربیتی**. ۱۶(۵۵)، ۱-۲۵.
- رجائی‌پور، سعید؛ کاظمی، ایرج و آقاحسینی، تقی. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین مولفه‌های مدیریت کلاس درس و جو یادگیری در مدارس راهنمایی شهر اصفهان. **مجله پژوهش‌های تربیتی و روانشناختی**. ۱(۹)، ۲۳-۴۰.
- رحیمی، مهدیه و مشکی‌باف مقدم، زهره. (۱۳۹۹). اقدام‌پژوهی درباره مدیریت کلاس درس قبل و پس از کرونا. **فصلنامه مطالعات کارورزی در تربیت‌معلم**. ۱(۲)، ۹۹-۱۱۸.

- رئیسی، مرضیه؛ احمدی طهران، هدی؛ حیدری، سعیده؛ جعفرگلگو، عصمت؛ عابدینی، زهرا و بطحایی، سیداحمد. (۱۳۹۲). ارتباط هوش معنوی با شادکامی و پیشرفت تحصیلی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم. **مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی**. ۱۳(۵)، ۴۳۱-۴۴۰.
- سبزی، ندا و فولادچنگ، محبوبه. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر ادراک شایستگی و شادکامی دانش‌آموزان پسر مقطع ششم ابتدایی شهر شیراز. **مجله دانش و پژوهش در روانشناسی**. ۱۹(۴)، ۱۱۴-۱۲۳.
- سوری، حسین؛ امرایی، کوروش؛ مرادنژاد، امین و ناصری، قباد. (۱۳۹۹). بررسی نقش واسطه‌ای جو عاطفی خانواده در رابطه میان تاب آوری و شادکامی در دانش‌آموزان. **مجله خانواده و پژوهش**. ۱۷(۲)، ۵۲-۳۳.
- شریعت باقری، محمد مهدی و شمسایی، آزاده. (۱۳۹۸). رابطه سبک مدیریت کلاس معلمان و خلاقیت دانش‌آموزان با میانجی‌گری بهزیستی روانشناختی دانش‌آموزان. **نشریه علمی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی**. ۹(۲)، ۲۲۷-۲۶۲.
- شکوهی امیرآبادی، لیلیا؛ دلاور، علی؛ عباسی سروک، لطفاله و کوشکی، شیرین. (۱۳۹۷). تحلیل محتوای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر اساس خلاقیت و شادکامی. **مجله ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی**. ۸(۳)، ۱۹۲-۱۲۵.
- صالحی عمران، ابراهیم و عابدینی بلترک، میمنت. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین شادکامی با موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان در فضاهای آموزشی استان مازندران با تأکید بر نقش برنامه‌ریزی آموزشی. **مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی**. ۷(۱۳)، ۱۲۱-۱۴۵.
- صدوقی، مجید و حسام‌پور، فاطمه. (۱۳۹۸). نقش واسطه‌ای شادکامی در رابطه میان امید و خودکارآمدی تحصیلی با سرزندگی تحصیلی. **رویش روانشناسی**. ۹(۴۲)، ۳۰-۲۱.
- صیامیان، حسن؛ نعیمی، ام‌البنین؛ شهرابی، افسانه؛ حسن‌زاده، رمضان؛ ابادری، محمدرضا؛ خادم‌لو، محمد و جوادیان‌کوتنایی، مریم. (۱۳۹۰). بررسی وضعیت شادکامی و ارتباط با برخی متغیرهای جمعیت شناختی در دانشجویان پیراپزشکی. **مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران**. ۲۱(۸۶)، ۱۶۶-۱۵۹.
- ظریفی، مجتبی و فرجی، رضا. (۱۳۹۳). مقایسه شیوه مدیریت و کلاس‌داری معلمان تربیت‌بدنی در مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه استان آذربایجان شرقی. **علوم کاربردی ورزش و تندرستی**. ۱(۱)، ۴۰-۴۸.

- عابدی، محمدرضا؛ میرشاه جعفری، سیدابراهیم و لیاقت‌دار، محمدجواد.(۱۳۸۵). هنجاریابی پرسشنامه شادکامی آکسفورد در دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان . **فصلنامه روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران**. ۱۲(۲)، ۹۵-۱۰۰.
- عزیزیان، شهاب.(۱۳۹۸). تاثیر باورهای فراشناختی و خودکارآمدی بر شادکامی دانش‌آموزان . **مجله رشد آموزش مشاور مدرسه**. ۲(۵۲)، ۳۴-۴۲.
- علی‌پور، احمدعلی و نوربالا، احمدعلی.(۱۳۷۸). بررسی مقدماتی پایایی و روایی پرسش‌نامه شادکامی آکسفورد در دانشجویان دانشگاه تهران . **فصلنامه اندیشه و رفتار**. ۵(۲)، ۵۵-۶۵.
- قاسمیان‌سفایی، حاجیه و فرج‌زادگان، زیبا.(۱۳۹۰). مشارکت فعال دانشجو در تدریس . **آموزش در علوم پزشکی**. ۱۱(۹)، ۱۱۳۰-۱۱۲۹.
- قاضیان، محمدعلی؛ ستوان، صادق؛ دهدار، مجتبی و عالی شیرمرد، عبدالله.(۱۳۹۶). بررسی جو یادگیری اثربخش براساس مولفه‌های مدیریت کلاس . **نشریه شباک**. ۳(۴)، ۳۵-۴۷.
- کاظمی، سیما؛ محمدی، یحیی و رئیسون، محمدرضا.(۱۳۹۴). بررسی وضعیت مدیریت کلاس اساتید دانشگاه علوم پزشکی بیرجند از دیدگاه دانشجویان . **مجله پژوهش در آموزش علوم پزشکی**. ۷(۴)، ۳۸-۳۱.
- کیانی، زینب و مظاهری، مهرداد.(۱۳۹۷). بررسی مقایسه‌ای احساس شادکامی دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه دوم شهرستان زاهدان. **مطالعات روانشناسی تربیتی**. ۱۵(۳۱)، ۱۹۹-۲۱۶.
- گلایی، فاطمه و اخشی، نازیلا.(۱۳۹۳). مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی . **جامعه‌شناسی کاربردی**. ۲۶(۳)، ۱۳۹-۱۶۰.
- مشکئی‌یاف مقدم، زهره؛ چرابین، مسلم؛ اکبری، احمد و داوودی، علیرضا.(۱۳۹۸). تحلیل نشانه‌شناختی سکوت در مدیریت کلاس درس . **مبانی تعلیم و تربیت**. ۹(۲)، ۶۷-۸۴.
- مظفری‌نیا، فائزه؛ امین‌شکروی، فرخنده و حیدرنیا، علیرضا.(۱۳۹۳). رابطه بین سلامت معنوی و شادکامی دانشجویان. **نشریه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت**. ۲(۲)، ۹۷-۱۰۷.
- هادی، مریم.(۱۳۹۵). بررسی رابطه سبک‌های مدیریت کلاس معلمان با خودتنظیمی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان . **فصلنامه مطالعات مدیریت و کارآفرینی**. ۲(۳)، ۱۸-۲۷.
- هژبری، امیر و شفیع‌زاده، حمید.(۱۳۹۶). رابطه سبک مدیریت کلاس مبتنی بر خلاقیت با کیفیت زندگی در مدرسه و اضطراب دانش‌آموزان . **ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی**. ۷(۳)، ۱۰۷-۱۳۳.

- Allen, K. p. (2010). **Classroom management, bullying, and teacher practices**. Professional Educator, 34(1), 717-727.
- Aprajita, N., & Mani Bhasin, K. (2019). **Recent Trends in Happiness Research**. International Journal of Engineering and Advanced Technology (IJEAT), 8(6), 752-757.
- Argyle, M. (2001). **The psychology of happiness**. London: Routledge.
- Argyle, M. (2003). **Psychology of happiness**. (G. Anaraki, & et al, Eds.) Isfahan academic center for education.
- Argyle, M., Martin , M., & Lu, L. (1995). **Testing for stress and happiness: The role of social and cognitive factors**. In C. D. Spielberger, & I. G. Sarason (Eds.), Stress and emotion. Washington, DC.
- Argyle, M., Martin, M., & Crossland, J. (1989). **Happiness as a function of personality and social encounters**. Recent advances in social psychology.
- Baumrind, E. (1971). **Current patterns of parental authority**. Developmental psychology monographs.
- Bradburn, N. (1969). **The structure of psychological wellbeing**. Chicago: Aldine.
- Bulger, S., Mohr, D., & Walls, R. (2002). **Stack the deck in favor of your students by using the four aces of effective teaching**. Journal of Effective Teaching.
- Bush, T., & Crawford, M. (2012). **Editorial: mapping the field over 40 years: a historical review**. Educational Management Administration & Leadership.
- De Stercke, J., Goyette, N., & Robertson, J. (2015). **Happiness in the classroom: Strategies for teacher retention and development**. *Prospects*, 45(4), 421-427.
- Diener, E. (2002). **frequently asked question about subjective well-being**. a printer for report and new comers.
- Djigic , G., & Stojijlikovic, S. (2011). **Classroom management styles**. Procedia-Social And Behavioral Science, 29, 819-828.
- Dobelli, R. (2013). **The art of thinking clearly: better thinking, better decisions**. Hachette UK. Doolittle, E. (2003). **Classroom managment**. teaching and teacher education.
- Dunavold , A. (1997). **Happiness, hope, and optimism**. California State University, Northridge.
- Franken, R. (1994). **Human motivation** (3rd Ed). Pacific Grove, CA: Brooks/Cole Publishing Co.

- Germine, Y. (2002). **An investigation in to the influences of teacher's classroom management beliefs and practice on classroom procedures.** www.aara.edu.au/03pap/you03353. pdf.
- Gu, S., Wang, F., P.Patel, N., Bourgeois , J., & H. Huang, J. (2019). **A Model for Basic Emotions Using Observations of Behavior in Drosophila.** Front. Psychol., <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2019.00781>.
- Harris, A., & Muijs, D. (2005). **Improving schools through teacher leadership.** Open University Press.
- Ihtiyaroglu, N. (2018). **Analyzing the Relationship between Happiness, Teachers' Level of Satisfaction with Life and Classroom Management Profiles.** Journal Articles; Reports - Research, ISSN: ISSN-2332-3205, 6(10), 2227-2237.
- Joseph, S., & Lewis, C. (1998). **The Depression–Happiness Scale: Reliability and validity of a bipolar self-report scale.** Journal of Clinical Psychology.
- Lewin, K., Lippit, R., & White, R. (1939). **Patterns of aggressive behaviour in experimentally created social climates.** Journal of Social Psychology.
- Lyubomirsky, S., & Lepper, H. (1999). **A measure of subjective happiness: Preliminary reliability and construct validation.** Social Indicators Research.
- Margaret, J. (2014). **Influence of head teachers’ leadership styles on pupils’ performance at Kenya certificate of primary education in Matinyani sub county, Kitui county Kenya.** University of Nairobi.
- Martin, n. (1997). **Beliefs regarding classroom management style.** journal of research in Rural education, 123-130.
- Martin, N., & Yin, Z. (1999). **Beliefs regarding classroom management style: differences between urban and rural secondary level teachers.** journal of research in rural education.
- Martin, n., Yine, A., & Baldwin, B. (1998). **perspective regarding classroom management styles.** ERIG identifier preparation vs reseach in the school.
- Olabisi , A., & Folasade , S. (2020). **Influence of Teachers’ Classroom Management Style on Pupils’ Motivation for Learning and Academic Achievement in Kwara State.** International Journal of Educational Methodology.
- Peiró , A. (2006). **Happiness, satisfaction and socio-economic conditions: Some international evidence.** Journal of Socioal Economic.

- Ryan, R., & Deci, E. (2001). **On happiness and human potentials: A review of research on hedonic and eudaimonic well-being.** Annual Review of Psychology.
- Stones, M., Kozma, A., Hirdes, J., & Gold, D. (1996). **Short Happiness and Affect Research Protocol (SHARP).** Social Indicators Research.
- Wolfgang, C., & Glickman, C. (1980). **Solving Discipline Problem: Strategies for Classroom Teacher.** Boston: Longwood Division College and Professional Publication.
- Wubbels, T., Brekelmans, M., Den Brok, P., Wijsman, L., Mainhard, T., & Van Tartwijk, J. (2014). **Teacher-student relationships and classroom management.** Handbook of classroom management, 2, 363-386.

